

نقد مبانی و راهکارهای اصولی سید کمال حیدری

امیرحسین دهقان انارستانی (ایران)، حامد خالقی ولامدهی (ایران)

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

چکیده:

سید کمال حیدری مسئله زنان و فقه زنان را بازنگری کرده و در این میان از راهکارهای اصولی نیز بهره جسته است تا نظر اجتهادی خود پیرامون حقوق زنان را در آرایه ای جدید مطرح کند. از آنجایی که علم اصول، علم استنباط احکام است لازم است راهکارهای اصولی وی در بوته ی نقد که در تقریرات درس خارج فقه المراه او در ضمن مطالب، ارائه گردیده و نیز جمع اوری و نظم و ترتیب پیدا کند تا مبانی و اساس پیکره مباحث او در اختیار محققین قرار گیرد و راه نقد و بررسی نظریات وی هموارتر گردد. از دیدگاه وی اجماع، شهرت عملیه و خبر واحد حجت نیست؛ در حالی از سوی اعظم فقهاء مورد اعتبار است؛ و قرآن محوری نقش ویژه ای در نظریات ایشان ایفا می کند؛ وی همچنین مباحثی را تحت عنوان مباحث اصولی مطرح می کند و عنوان کردن آنها را ضروری می داند که علمای اصول به صورت متداول از آنها بحث نمی کنند. وی اجماع منقول به خبر واحد و اجماعات مخالف قرآن را حجت نمی داند و قرآن را با خبر واحد تخصیص نمی زند؛ همچنین به تبادر، ظهور عصر وصول و سیره متشرعه اعتنا نمی کند و در مورد قول لغوی قائل به تفصیل است. ایشان علاوه بر شهرت عملیه، دلالت اعراض مشهور را نیز کنار می زند و ظهور روایت را در این می داند که علت حکم را بیان کرده باشد نه حکمت حکم را. توجه به بعد ولائی ادله سنن، عدم وحدت واقعیت، عدم حجیت ضروریات و مسلمات علمائیه و عدم کفایت علم اصول در عملیات استنباط از جمله راهکارها و مبانی وی

محسوب می شود. این تحقیق به روش کتابخانه ای صورت گرفته و می تواند مورد توجه محققین حوزه مطالعات زنان و پژوهشگران فقه های مضاف قرار گیرد .

کلید واژه ها:

محقق حیدری ، فقه زنان ، راهکار ، اصول ، نظریه

مقدمه:

مسائل پیرامون حقوق زنان در عصر جدید از جمله مباحث چالشی است که توسط افراد مختلف با اغراض و گرایش های فکری متفاوت بیان شده و می تواند فرهنگ برخورد با زنان را تغییر دهد و یا آن را به انحراف بکشاند؛ در این میان دیدگاه فقه و منظومه علوم اسلامی در خصوص حقوق زنان همیشه مورد توجه محققین قرار گرفته که تحقیقات متعدد در این زمینه شاهد این مدعی است ؛ مسائلی مانند: کیفیت خلقت زنان از منظر اسلام ، برابری جنسیتی از دیدگاه دین اسلام ، اقتصاد زنان مسلمان ، دیدگاه قرآن در خصوص زنان ، برابری حقوقی زنان و مردان و غیره که معمولا با پشتوانه حقوقی و نه فقهی بیان شده اند و حتی در جایی که با پشتوانه فقهی - اجتهادی مطرح شده فقط در پاره ای از جزئیات مباحث به تساوی مطلوب نو اندیشان ، منجر شده است.

یکی از محققینی که امهات مباحث پیرامون زنان را با رویکردی فقهی مطرح نموده و نتیجه تحقیق وی تساوی حقوقی زن و مرد می باشد ، سید کمال حیدری است که برای به ثمر رسیدن این مهم از راهکارهای مختلفی بهره جسته است ؛ یکی از این راهکارها ، راهکارهای اصولی است که بدلیل حساسیت و تاثیر ویژه این علم بر فقه و حقوق اسلامی می تواند مورد توجه و واکاوی قرار گیرد.

در مقاله پیش رو راهکارها و مبانی اصولی محقق حیدری در فقه زنان که از میان بیش از ۲۳۰ جلسه از دروس «فقه المراه» وی استخراج شده است را به حسب متداول بودن و متداول نبودن

به دو دسته تقسیم کردیم و راهکارهای محقق حیدری را در این زمینه مطرح نموده ایم تا راه برای محققین و ناقدین نظریات وی هموار گردد. همچنین سعی شده است هرکدام از مباحث مطرح شده ابتدا از جهت اصولی تبیین شوند و سپس به بیان نظریات سید کمال حیدری بپردازیم. آنچه به عنوان نتیجه مباحث ایشان می توان مطرح نمود این است که وی اجماع منقول به خبر واحد و اجماعات مخالف قرآن را حجت نمی داند و قرآن را با خبر واحد تخصیص نمی زند؛ همچنین به تبادر، ظهور عصر وصول و سیره متشرعه اعتنا نمی کند و در مورد قول لغوی قائل به تفصیل است. ایشان علاوه بر شهرت عملیه، دلالت اعراض مشهور را نیز کنار می زند و از ظهور روایات چنین برداشت می کند که مبین علت حکم باشد نه حکمت حکم. همچنین توجه به بعد ولایی ادله سنن، عدم وحدت واقعیت، عدم حجیت ضروریات و مسلمات علمائیه و عدم کفایت علم اصول در عملیات استنباط از دیگر راهکارهای وی محسوب می شوند.

شایان ذکر است این مقاله به روش کتابخانه ای نوشته شده و می تواند مورد توجه محققین گرایش های حقوق زنان قرار گیرد.

مبانی نظری

۱- حکمت: حکمت عبارت از آن مصلحتی است که مقصود شارع از تشریع حکم می باشد، به عبارت دیگر: قصد شارع مبنی بر جلب منفعت و دفع ضرر را «حکمت» گویند. (فرهنگ اصطلاحات اصول؛ ج ۱؛ ص ۲۹۶)

۲- اجماع: اجماع در لغت از ماده «جمع» به دو معنی آمده: ۱- اتفاق و انضمام چیزی به چیز دیگر؛ ۲- به معنی عزم. (مصباح المنیر. لسان العرب، ماده «جمع»). اجماع در اصطلاح یعنی اتفاق خاص. اصولیین اتفاق خاص را با عبارتهای مختلف بیان کرده اند از جمله: اتفاق فقهای مسلمین بر حکم شرعی. اتفاق اهل حل و عقد از مسلمین بر حکم شرعی. اتفاق امت

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر حکم شرعی (اصول الفقه، ج ۲، ص ۸۷)؛ و سایر عبارتهایی که در تفسیر اتفاق خاص بیان شده است. ولی از ملاحظه تعریفها و تفسیرهای مختلف می‌توان نتیجه گرفت که مراد از اتفاق خاص، اتفاق جماعتی است که اتفاق ایشان در اثبات حکم شرعی نافذ و مؤثر است. (فرهنگ اصطلاحات اصول؛ ج ۱؛ ص ۲۶)

۳-۳ خبر واحد به خبری گویند که به حد تواتر نرسیده است اعم از اینکه عدد راویان آن زیاد باشد یا کم و شان چنین خبری این نیست که به خودی خود افاده علم کند بلکه به ضمیمه قرائن مفسد علم است. (الشیخ السعید، جمال الدین الحسن، ج ۱ ص ۱۸۷)

مبانی اصولی محقق حیدری و نقد آن

راهکارهای اصولی محقق حیدری به دو بخش تقسیم می‌شوند: مباحثی که در اصول متداول هستند و مباحثی که در اصول متداول نیستند ولی جزء مباحث اصول هستند که برخی از مباحثی که در اصول متداول هستند را بررسی می‌کنیم:

مباحثی که در اصول متداول هستند:

برخی از مباحث اصولی، مباحثی هستند که به صورت متداول در علم اصول توسط محققین این علم مورد بررسی قرار می‌گیرند و معمولاً در اغلب کتب اصولی پیرامون آن مباحثی صورت گرفته است. محقق حیدری در مورد این مباحث نظریات خاصی دارد و مبانی ویژه‌ای را اخذ کرده است که به تفصیل بیان خواهیم کرد:

(۱) عدم حجیت اجماع منقول:

یکی از مباحث اصولی بحث اجماع منقول به خبر واحد است که اگر خبر واحدی بر اجماع عده‌ای از علما در حکمی دلالت کند آن اجماع منقول حجت است یا خیر؟ (سبحانی، جعفر، ۱۱۴، ج ۳ ص ۱۸۲)

در این باره اقوالی وجود دارد و مباحثی ایراد شده است اما محقق حیدری اجماع منقول را حجت نمی‌داند و بعد از نقل قولی از شیخ مفید در خصوص ایه سوره نساء که در کتاب جواهر الکلام مطرح شده بعد از فرض احتمال این همانی اصطلاح «اتفاق» با «اجماع» لب به

اعتراض گشوده و می نویسد: «ای صاحب جواهر بینی و بین الله این فهم شیخ مفید است چرا از فهم شیخ مفید تقلید می کنید؟ (فقه المراه ج، ۱۱۹ کیف خلق المراه ج ۱ ص)

نقد و بررسی

«بهتر است در اجماع منقول تفصیل دهیم میان اجماعی که در نظر شخص منقول الیه اگر خودش آن را بدست آورده بود، کاشف از حکم شرعی است که در این صورت حجت می باشد، و اجماعی که تنها در نظر ناقل حجت است نه کسی که برایش نقل شده، که در این صورت حجت نخواهد بود، زیرا همان گونه که گذشت، ادله خبر واحد بر تصدیق کردن رأی و نظر ناقل دلالت نمی کند. و شاید جناب شیخ اعظم در تفصیل خویش که قبلاً بدان اشاره کردیم، به همین تفصیل توجه دارد.» (أصول الفقه؛ ج ۲؛ ص ۱۱۴)

(۲) عدم موجودیت حکمت حکم در احادیث:

یکی از مباحث پیرامون قیاس منصوص العله بحث فرق بین علت و حکمت است در مورد فرق بین علت و حکمت باید گفت: «در تعریف علت، قید «منضبط» اخذ شده است، ولی در تعریف حکمت، این قید اخذ نشده است. به همین جهت، شارع حکمت را اماره بر حکم خود قرار نداده است، به خلاف علت، که حکم از حیث وجود و عدم، دایر مدار آن است.» (ملکی اصفهانی، مجتبی، ۱۳۷۹، ج ۱ ص ۲۹۷)

در مقام نقد باید گفت: محقق حیدری با در نظر گرفتن این تفاوت حکمت را با وجود ظهور روایت در علت در احادیث کنار می زند و با اشاره به اینکه ظاهر روایت وقتی حامل علت حکم است نباید حمل بر حکمت کرد مدعی می شود هیچ روایتی نیست که حکمت مسئله را بیان کند بلکه مبین علت حکم است. (فقه المراه ج، ۱۱۹ (کیف خلقت المراه ج ۱) ص ۱)

(۳) عدم تقدیم اخبار آحاد بر قرآن و تخصیص و تقیید آیات بواسطه این اخبار:

یکی دیگر از راهکارهای محقق حیدری نظریه «محوریت قرآن» است. به این صورت که ایشان قرآن را محور در فهم دین و اعتبار سنجی مقوله های دینی می دانند به نحوی که حتی تخصیص

آیات قرآن بوسیله حدیث واحد را جایز نمی‌داند البته ممکن است این دیدگاه ناشی از رویکرد ایشان نسبت به خبر واحد هم باشد. (المحاضره ۴۲ ص ۵)

نقد و بررسی

گفته‌اند عام کتابی قطعی الصدور می‌باشد و خبر واحد ظنی الصدور است و ممکن نیست رفع ید از قطعی به واسطه ظنی. جواب آنکه قطعی بودن سند کتاب منافات ندارد که تصرف در دلالت عموم کتاب شود که ظنی است با اینکه اگر ممکن نباشد تصرف در عموم ظنی به آنکه سند آن قطعی است همین ملاک در خبر متواتر قطعی می‌آید و بلا اشکال تخصیص خبر متواتر بخبر واحد جایز است و سر آن آنست که تعارض و دوران در حقیقت بین اصالة العموم و دلیل سند خبر واحد است با اینکه خبر واحد دلالت آن و سند آن صلاحیت دارد برای قرینه بودن در تصرف عمومات بخلاف عمومات کتاب که آنها صلاحیت ندارد برای رفع ید از دلیل اعتبار خبر واحد. و حاصل آنکه تعارض بین عمومات کتاب است که آن عمومات ظنی الدلاله است و بین سند خبر واحد است که آن سند قطعی است و در این موارد بلا اشکال سند خبر که قطعی است مقدم است بر دلالت عموم عام کما لا یخفی. (کفایة الأصول (با تعلیقه زارعی سبزواری)؛

ج ۲؛ ص ۱۸۸)

(۴) تفصیل در حجیت قول لغوی:

از آنجا که فرایند استنباط احکام شرعی در گرو فهم درست از متون آیات و روایات می‌باشد، درک صحیح از ریشه و معنای کلمات و واژگان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. در این میان مراجعه فقیه به کتب لغوی برای دریافت معنای درست یک واژه، از جمله راههای بی‌بدیل در فرایند فهم واژگان بشمار می‌آید اما سخن اینجا است که قول لغوی از چه راهی حجت است؟ اصولیون در این باره مباحث مختلفی ارائه داده‌اند و مشهور قول لغوی را از باب ظن خاص حجت می‌دانند. (انصاری، مرتضی، ۱۴۲۸ ق، ۱۷۳)

محقق حیدری نیز در ابتدا تنها راه فهم متون دینی را مراجعه به قول لغوی می‌داند (المحاضره جلسه ۴۵ ص ۵۴) اما به نظر می‌رسد در نهایت ایشان قائل به تفصیل است؛ تفصیل بین

قول لغوی محفوف به قرائن و قول لغوی غیر محفوف به قرائن به این معنا که گاهی اهل لغت در تبیین یک واژه غالباً به یک سمت سوق پیدا کرده اند و قرائن و شواهدی بر صحت قول آنها پیدا می شود اما گاهی اینگونه نیست که در صورت اول قول لغوی حجت و در صورت دوم حجت نیست. (المحاضره جلسه ۷۰ ص ۵)

(۵ عدم اعتنا به تبادر

یکی از علامات حقیقت در علم اصول تبادر است. در واقع اولین معنایی که به ذهن متبادر می شود معنای حقیقی یک لفظ است که می توان بدان در فتوی تکیه کرد. (اصفهانی، محمد حسین، الفصول الغرویه فی الاصول الفقہیة، ص ۳۲). اما محقق حیدری در ابتدا قائل می شوند که تبادر حجت نیست مگر آنکه یقین کنیم آنچه که ما در مقام وصول متوجه شدیم در زمان نزول هم به ذهن متبادر می شده است. (المحاضره ۴۷ ص ۱) اما ایشان در مقام بیان نظر نهایی خویش فهم خود از آیات قرآن را حجت می داند و می نویسد (من معتقدم که قرآن مرا خطاب قرار داده و تبادر من به حسب فرهنگ، فهم، جامعه و شهرم برای من حجت است.) المحاضره فقه المراه ج ۴۸ ص ۵)

(۶ عدم حجیت سیره متشرعه:

سیره در اصول به دو نوع تقسیم می شود:

الف. سیره عقلا: استمرار عادت و تبانی عملی همه عقلاء و عرف بدون در نظر گرفتن عقیده و فرهنگ بر فعل خاص (مظفر، محمد رضا، ۱۳۸۷ ص ۵۱۳)

ب. سیره متشرعه: استمرار عادت مسلمین یا شیعیان و به طور کلی متشرعه بر فعل خاص را سیره متشرعه می گویند. (مظفر، محمد رضا، ۱۳۸۷ ص ۵۱۳)

اما محقق حیدری سیره متشرعه را حجت نمی داند و لذا از نظر ایشان سیره متشرعه کاشف از سنت نیست. (المحاضره ج ۴۸ ص ۳)

(۷ عدم وضوح اصاله الظهور:

اصاله الظهور از جمله اصول لفظیه ای است که در مقام کشف مقصود متکلم از آن بهره می برند (مشکینی، علی، ۱۳۷۴، ص ۵۳) به این صورت که حمل لفظ یا کلام بر آن معنی در نظر عقلا راجح باشد هر چند در مقام استعمال احتمال خلاف آن داده شود در این صورت عقلا به معنای ظاهر تمسک نموده و معنای خلاف ظاهر را نادیده می گیرند. (سبحانی، جعفر، ۱۴۲۰، ج ۱ ص ۲۸) اما محقق حیدری در مورد این اصل یعنی اصاله الظهور می گوید: «اصل ظهور هم از جهت منبع و هم از جهت دلیل مسئله واضحی نیست. (المحاضره ج ۷ ص ۷)

(۸ اصولی نبودن مسئله خبر واحد

خبر واحد در علم اصول مورد بحث و کنکاش قرار می گیرد؛ حجیت آن بین امامیه شهرت دارد (کفایة الاصول، ج ۲، ص ۷۸) و حق نیز این است همان گونه که جمهور عامه نیز قائل به حجیت آن هستند. (الوافیه فی اصول الفقه، ص ۱۵۹) اما محقق حیدری خبر واحد را از مسائل اصولی ندانسته و استناد به آن در مباحث اخلاقی و اعتقادی را جایز نمی داند. (المحاضره ج ۶۱ ص ۱)

(۹ عدم حجیت شهرت عملیه و اعراض مشهور:

شهرت در علم اصول به سه قسم تقسیم می شود:

الف. شهرت رواییه: حدیثی را مشهور گویند که تعداد زیادی نقل کرده اند اما به حد تواتر نرسیده است. (مظفر، محمد رضا، ۱۳۸۷ ص ۵۰۷)

ب. شهرت فتواییه: شهرت فتوایی: آن است که هشتاد درصد فقهای عظام طبق حکمی از احکام فتوا داده باشند بدون اینکه مدرک فتوا برای ما روشن باشد، بلکه مجرد شهرت فتواییه است حال اعم از اینکه طبق فتوای مشهور اصلاً حدیثی نباشد و یا باشد، ولی ما یقین داشته باشیم که آن حدیث مدرک این فتوا نیست و یا ما شک داشته باشیم و ندانیم که مدرک این فتوا آن حدیث است یا خیر. (محمّدی، ۱۳۸۷ علی ج ۳ ص ۲۶۲)

شهرت عملیه: این است که: مشهور محدثین با استناد به حدیثی فتوی داده‌اند و به آن عمل نموده‌اند، هر چند شهرت روائی هم نداشته باشد. (سمیعی، جمشید، ۱۳۸۷، ج ۳ ص ۲۰۹).

محقق حیدری شهرت عملیه را جابر ضعف روایت نمی داند و آن را از حجیت ساقط می کند. همچنین وی اعراض مشهور از یک دلیل را علت مستند نبودن آن نمی داند. (المحاضره ج ۸۲ ص ۷)

نتیجه گیری

آنچه که از مطالب ایشان نتیجه گرفته می شود این است که مبنای ایشان در بعضی از موارد مثل تبادر، سیره متشرعه، شهرت عملیه و دلالت اعراض مشهور، عدم اعتنا به این موارد است بدون دلیل قانع کننده در حالی که اصولیین با ادله یقینی سالیان سال هست که در این موارد بحث و بررسی و تتبع دارند و دلیل اقامه می کنند. یا ایشان اجماع منقول به خبر واحد را حجت نمیدانند در حالی که به صورت مطلق نمیشود قائل به عدم حجیت اجماع منقول شد بلکه اجماع منقول در صورتی که خود منقول الیه آن را تحصیل کرده باشد حجت است. نسبت به مبنای ایشان در عدم تقدیم اخبار آحاد بر قرآن و تخصیص و تقیید آن به واسطه این اخبار باید گفت که بین قطعی الصدور بودن و سند قطعی از یک طرف و ظنی بودن دلالت از طرف دیگر، منافاتی وجود ندارد و آیات قرآن هر چند قطعی الصدور هستند ولی عموم و دلالت آیات ظنی هست و قابل تصرف و تخصیص به روایات هستند مثل خبر متواتر که سندش قطعی ولی دلالتش ظنی است. و در مورد قول لغوی چون مشهور اصولین از باب ظن خاص قول لغوی را معتبر می دانند لذا تفصیل ایشان جایگاهی ندارد.

منابع

- ۱- آشمونى، نور الدين على بن محمد،، شرح الأشمونى على الالفية، ج ۴، منشورات الرضى، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ۲- جمال الدين، الحسن، معالم الدين و ملاذ المجتهدين، قم، موسسه النشر الاسلامى، نوبت نهم، بى تا
- ۳- الحيدرى سيد كمال تقريرات فقه المراه به نشانى تلگرامى @alhaydari
- ۴- حائرى اصفهانى، محمدحسين بن عبدالرحيم، الفصول الغروية في الأصول الفقهية - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۵- زارعى سبزوارى، على، كفاية الأصول (با تعليقه زارعى سبزوارى) - قم، چاپ: ششم، ۱۴۳۰ ق.
- ۶- سبحانى، جعفر، المحصول فى علم الاصول، قم، موسسه امام صادق، نوبت اول، ۱۴۱۴ ه ق
- ۷- سبحانى، جعفر، الموجز فى اصول الفقه، قم، موسسه امام صادق، نوبت دوم، ۱۴۲۰ ق
- ۸- سميعى، جمشيد، ترجمه متن و شرح كامل رسائل شيخ انصارى، اصفهان، خاتم الانبياء، چهارم، ۱۳۸۷ ش
- ۹- عبد الرحمن بن أبى بكر، جلال الدين السيوطى (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، الإتقان في علوم القرآن؛ محمدى، على، شرح اصول فقه، قم، دارالفكر، دهم، ۱۳۸۷
- ۱۰- مشكينى، على، اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها، قم، الهادى، ششم ۱۳۷۴
- ۱۱- مظفر، محمد رضا، اصول الفقه (با تعليقه زارعى)، قم، بوستان كتاب، پنجم، ۱۳۸۷ ش

نقد مبانی و راهکارهای اصولی سید کمال حیدری/ ۲۵۷

۱۲- محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر الهيئة المصرية العامة للكتاب، الطبعة: ۱۳۹۴هـ/
۱۹۷۴ م، عدد الأجزاء: ۴ ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم،
عالمه، اول، ۱۳۷۹ ش